

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ ویژگی‌های قرآن
۲. احکام؛ اصول و قواعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**نقد****نویسنده: دشمن خراسانی (!) تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۱۰**

منصور هاشمی خراسانی ... و ... معتقد است که نسخ، تخصیص و تعمیم قرآن به وسیله‌ی سنت ممکن نیست؛ چراکه شأن سنت تنها تبیین قرآن است، نه نسخ، تخصیص و تعمیم آن، در حالی که حداقل تخصیص قرآن به وسیله‌ی سنت بارها انجام شده و نمونه‌ی واضح آن در مورد آیه‌ی «السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» است که عام است و به وسیله‌ی سنت به قسمتی از دست بعضی از دزدها تخصیص زده شده است. با این حساب شکی نیست که تخصیص قرآن به وسیله‌ی سنت ممکن است و واقع شده است، همان طور که تبیین آن به وسیله‌ی سنت ممکن است و میان تخصیص و تبیین فرقی نیست.

بررسی**تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۱۲**

خداوند شما را هدایت کند و ببخشد. لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

اولاً عدم امکان نسخ، تخصیص و تعمیم قرآن به وسیله‌ی سنت، یک حکم عقلی به معنای منافات آن‌ها با لطف، حکمت و عدالت خداوند است؛ زیرا قرآن نصی متواتر و اعجاز‌آمیز است که به اقتضای ماهیت منحصر به فرد خود قابلیت انتشار در جهان را دارد، ولی سنت در مقایسه با آن نصی غیر متواتر و غیر اعجاز‌آمیز است که از قابلیت کمتری برای انتشار در جهان برخوردار است و با این وصف، نسخ، تخصیص و تعمیم قرآن به وسیله‌ی سنت، بر خلاف لطف، حکمت و عدالت خداوند است و عقلاً امکان ندارد و این گناه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى شمرده نمی‌شود.

ثانیاً خداوند که خالق عقل است، از نسخ، تخصیص و تعمیم قرآن به وسیله‌ی سنت، سخنی به میان نیاورده و شأن سنت را تنها تبیین قرآن دانسته و فرموده است: ﴿وَأَنْزَلْنَا

إِنَّكَ الذَّكْرُ لُتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^۱؛ «و قرآن را به سوی تو نازل کردیم تا برای مردم چیزی که به سوشان نازل شد را تبیین کنی و باشد که آنان اندیشه کنند»؛ همچنانکه نسخ یک آیه را به وسیلهی آیه‌ای مانند آن یا بهتر از آن ممکن دانسته و فرموده است: «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا^۲؛ «هر آیه‌ای که نسخ کنیم یا از یاد ببریم آیه‌ای بهتر از آن یا مانند آن می‌آوریم» و چنین کاری را تنها در صلاحیت خود و بی‌ارتباط با پیامبر دانسته و فرموده است: «وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ^۳؛ «و چون آیه‌ای را با آیه‌ای دیگر جایگزین می‌کنیم و خداوند به چیزی که نازل می‌کند دانایتر است می‌گویند که تو هرآینه دروغ می‌بندی، بلکه بیشترشان نمی‌دانند! بگو روح القدس آن را از جانب پروردگارت به راستی نازل کرده است»؛ بل روشن است که نسخ، تخصیص و تعمیم قرآن توسط دیگران، مخالفت با آن شمرده می‌شود که جایز نیست؛ زیرا مخالفت با آن یا ترک همه‌ی آن است که در نسخ آن تحقق می‌یابد و یا ترک بخشی از آن است که در تخصیص آن تحقق می‌یابد و یا افزودن چیزی بر آن است که در تعمیم آن تحقق می‌یابد، در حالی که پیامبر نیز مانند دیگران مکلف به تبعیت از قرآن است و مجاز به مخالفت با چیزی که خداوند در آن بر او نازل کرده است نیست؛ چنانکه با تأکید به او فرموده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ^۴؛ «و کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم تا تصدیق‌کننده و پاسبانی برای کتاب‌های پیش از خود باشد، پس میان آنان مطابق با چیزی که خداوند نازل کرد حکم کن» و فرموده است: «وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ^۵؛ «و میان آنان مطابق با چیزی حکم کن که خداوند نازل کرد و از خواهش‌های آنان پیروی نکن و از آنان برحذر باش که تو را از برخی از آنچه خداوند به سوی تو نازل کرد فریفته نسازند» و فرموده است: «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ^۶؛ «پس مبدا برخی از چیزی که به تو وحی می‌شود را ترک کنی و سینه‌ات برای آن تنگ شود» و فرموده است: «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ عَنِ الَّذِي أُوحِیْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُكَ حَیْلًا^۷؛ «و

۱. النحل / ۴۴

۲. البقرة / ۶۰۱

۳. النحل / ۱۰۱ و ۲۰۱

۴. المائدة / ۸۴

۵. المائدة / ۹۴

۶. هود / ۲۱

۷. الإسراء / ۳۷

نزدیک بود تو را از برخی از چیزی که به تو وحی کردیم فریفته سازند تا غیر آن را بر ما ببندی و آن گاه تو را دوست می گرفتند» و فرموده است: **«وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ»**^۱؛ «و هرگز تو را از آیات پروردگارت پس از اینکه به تو نازل شد باز ندارند» و فرموده است: **«وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»**^۲؛ «و از چیزی پیروی کن که از پروردگارت به تو وحی می شود» و فرموده است: **«فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ»**^۳؛ «پس به چیزی که به تو وحی شد تمسک جوی» و این به معنای عدم جواز نسخ، تخصیص و تعمیم کتاب خداوند برای پیامبر است که حکم خداوند شمرده می شود و تبعاً گناه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نیست.

ثالثاً روایات متواتر و مشهوری از پیامبر و اهل بیت او رسیده است که تأکید می کنند هر روایتی که با کتاب خداوند مخالفت دارد، از آنان صادر نشده و باطل است، بلکه مزخرف شمرده می شود و باید به پهنه‌ی دیوار زده شود؛ مانند روایتی که می گوید: **«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّهَا تَكُونُ بَعْدِي زُورَةٌ عَنِّي الْحَدِيثُ، فَأَعْرِضُوا حَدِيثَهُمْ عَلَى الْقُرْآنِ، فَمَا وَافَقَ الْقُرْآنَ فَخُذُوا بِهِ وَمَا لَمْ يُوَافِقِ الْقُرْآنَ فَلَا تَأْخُذُوا بِهِ»**^۴؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرآینه پس از من راویان حدیثی از من خواهند بود، پس حدیث آنان را به قرآن عرضه کنید، پس هر چه با قرآن موافق بود آن را بگیرید و هر چه با قرآن موافق نبود آن را نگیرید» و روایتی که می گوید: **«صَعِدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ فَحَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ: إِنَّ الْحَدِيثَ سَيَفْشُو عَنِّي، فَمَا أَتَاكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ الْقُرْآنَ فَهُوَ عَنِّي وَمَا أَتَاكُمْ عَنِّي يُخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَيْسَ عَنِّي»**^۵؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر منبر رفت و مردم را مخاطب ساخت و فرمود: هرآینه حدیث از من شیوع خواهد یافت، پس هر چه از من به شما رسید که با قرآن موافق بود، آن از من است و هر چه از من به شما رسید که با قرآن مخالف بود، آن از من نیست» و روایتی که می گوید: **«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سُئِلَتِ الْيَهُودُ عَنْ مُوسَىٰ فَأَكْثَرُوا فِيهِ وَزَادُوا وَنَقَصُوا حَتَّى كَفَرُوا وَسُئِلَتِ النَّصَارَىٰ عَنْ عِيسَىٰ فَأَكْثَرُوا فِيهِ وَزَادُوا وَنَقَصُوا حَتَّى كَفَرُوا وَإِنَّهُ سَيَفْشُو عَنِّي أَحَادِيثٌ فَمَا أَتَاكُمْ مِنْ حَدِيثِي فَأَقْرَأُوا كِتَابَ اللَّهِ وَاعْتَبِرُوهُ فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قُلْتُهُ وَمَا لَمْ يُوَافِقِ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ»**^۶؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از یهودیان درباره‌ی موسی پرسیده شد، پس درباره‌ی او

۱. القصص / ۷۸

۲. الأحزاب / ۲

۳. الزخرف / ۳۴

۴. سنن الدارقطني، ج ۴، ص ۴۳۱

۵. معرفة السنن والآثار للبيهقي، ج ۶، ص ۳۲۵

۶. المعجم الكبير للطبراني، ج ۲۱، ص ۴۴۲

بسیار گفتند و افزودند و کاستند تا اینکه کافر شدند و از مسیحیان درباره‌ی عیسی پرسیده شد، پس درباره‌ی او بسیار گفتند و افزودند و کاستند تا اینکه کافر شدند و هرآینه به زودی از من نیز احادیثی رواج خواهد یافت، پس هر چه از حدیث من به شما رسید، کتاب خداوند را بخوانید و بررسی کنید، پس هر چه با کتاب خداوند هماهنگ بود، من آن را گفته‌ام و هر چه با کتاب خداوند هماهنگ نبود، من آن را نگفتم» و روایتی که می‌گوید: «قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»^۱؛ «علی علیه السلام فرمود: هرآینه هر حقی را حقیقتی و هر درستی را نوری است، پس هر چه با کتاب خداوند موافق بود به آن اخذ کنید و هر چه با کتاب خداوند مخالف بود آن را واگذارید» و روایتی که می‌گوید: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَتَاكُمْ عَنَّا مِنْ حَدِيثٍ لَا يُصَدِّقُهُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ بَاطِلٌ»^۲؛ «ابو عبد الله (جعفر صادق) علیه السلام فرمود: هر حدیثی از ما به شما رسید که کتاب خداوند آن را تصدیق نمی‌کند، آن باطل است» و روایتی که می‌گوید: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُؤَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُحْرُفٌ»^۳؛ «ابو عبد الله (جعفر صادق) علیه السلام فرمود: هر حدیثی که با کتاب خداوند موافقت ندارد مزخرف است» و مخالفت با کتاب خداوند -چنانکه روشن شد- یا با نقض کلی حکم آن صورت می‌گیرد که نسخ آن است و یا با نقض جزئی حکم آن صورت می‌گیرد که تخصیص آن است و یا با افزودن بر حکم آن صورت می‌گیرد که تعمیم آن است و مصداق دیگری برای مخالفت با آن متصور نیست و روشن است که اگر نسخ، تخصیص و تعمیم قرآن به وسیله‌ی سنت ممکن باشد، معنایی برای این روایات متواتر و مشهور باقی نمی‌ماند؛ چراکه هر روایت مخالف با قرآن، می‌تواند ناسخ یا مخصّص یا معمم آن شمرده شود و با این وصف، نسخ، تخصیص و تعمیم قرآن به وسیله‌ی سنت، به حکم سنت ممکن نیست، همان طور که به حکم عقل و قرآن امکان ندارد و این نیز گناه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی شمرده نمی‌شود.

رابعاً تبیین کتاب خداوند با تخصیص آن یکسان نیست؛ زیرا تخصیص به معنای خارج ساختن برخی افراد عام از حکم عام است که بودن آن‌ها از افراد عام معلوم است، مانند خارج ساختن نکاح دائم با زنان اهل کتاب از حکم نکاح با آنان در آیه‌ی ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾^۴؛ «و زنانی که پیش از شما کتاب داده شدند (برای شما حلالند)»، با توجه به اینکه نکاح دائم با آنان قطعاً از مصادیق نکاح با آنان است و با این وصف، خارج

۱. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۶۲۲؛ الكافي للكليني، ج ۱، ص ۹۶؛ الأمالي لابن بابويه، ص ۹۴۴

۲. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۱۲۲

۳. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۱۲۲؛ الكافي للكليني، ج ۱، ص ۹۶

۴. المائدة / ۵

ساختن آن از حکم نکاح با آنان به معنای تخصیص است و مانند خارج ساختن غیر حبوبات از حکم طعام اهل کتاب در آیهی ﴿وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ﴾^۱؛ «و طعام کسانی که کتاب داده شدند برای شما حلال است و طعام شما برای آنان حلال است»، با توجه به اینکه طعام آنان مانند طعام مسلمانان قطعاً اختصاصی به حبوبات ندارد و با این وصف، خارج ساختن غیر حبوبات از حکم طعام آنان به معنای تخصیص است، در حالی که تبیین به معنای خارج ساختن برخی افراد معلوم عام از حکم آن نیست، بلکه به معنای معرفی افراد نامعلوم عام است، مانند معرفی افراد نماز و زکات در حکم ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾^۲؛ «نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید»، با توجه به اینکه از اختراعات شارع هستند و افراد آنها معلوم نیستند.

اما آیا قطع نکردن دست کسی که کمتر از حد نصاب سرقت کرده، تخصیص قرآن است؟ در آن دو وجه است؛ زیرا از یک سو کسی که کمتر از حد نصاب سرقت کرده است عقلاً سارق شمرده می‌شود و با این وصف، خارج کردن آن از حکم عام تخصیص است که به وسیله‌ی سنت جایز نیست و از سوی دیگر چه بسا کسی که کمتر از حد نصاب سرقت کرده است عرفاً سارق شمرده نمی‌شود و با این وصف، خارج کردن آن از حکم عام تخصیص نیست، بلکه تبیین است که به وسیله‌ی سنت جایز است؛ توضیح آنکه چه بسا برداشتن چیزهای بسیار کم‌ارزش بدون اذن مالک آنها، در نظر عرف سرقت شمرده نمی‌شود و ملاک موضوع در این قبیل احکام قرآن، عرف است و با این وصف، حکم سنت درباره‌ی آن برای ضابطه‌مند کردن عرف در تشخیص موضوع است که اشکالی ندارد؛ همچنانکه تعیین مقدار قطع کردن دست سارق، تخصیص قرآن نیست؛ چراکه قطع کردن چهار انگشت از دست او نیز قطع کردن دست او شمرده می‌شود که موافق با قرآن است؛ با توجه به اینکه قرآن از باب عموم به قطع کردن همه‌ی دست سارق حکم نکرده، بل از باب اطلاق به قطع کردن دست سارق حکم کرده است که با قطع کردن چهار انگشت از آن نیز تحقق می‌یابد؛ خصوصاً با در نظر گرفتن آیات دیگری از قرآن که بر رفع عسر و حرج دلالت دارند؛ مانند آیه‌ای که می‌فرماید: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَزَجٍ﴾^۳؛ «خداوند نمی‌خواهد که بر شما تنگنایی قرار دهد» و آیه‌ای که می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَزَجٍ﴾^۴؛ «و بر شما در دین تنگنایی قرار نداد» و آیه‌ای که می‌فرماید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾^۵؛ «خداوند

۱. المائدة / ۵

۲. البقرة / ۳۴

۳. المائدة / ۶

۴. الحج / ۸۷

۵. البقرة / ۵۸۱

برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما سختی نمی‌خواهد»، در حالی که قطع کردن هر دو دست سارق از بالای بازوهای او، تنگنا و سختی آشکاری محسوب می‌شود و با این وصف، خارج کردن آن از حکم **﴿فَاقْطِعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾**^۱؛ «دستانشان را قطع کنید» حتی اگر از باب تخصیص باشد مبتنی بر همین آیات است، نه مبتنی بر سنت، تا حدی که اگر سنتی در این باره نرسیده بود نیز چه بسا ممکن بود بر مبنای این آیات، به قطع مقداری از دست سارق که او را از عبادت و استنجا باز نمی‌دارد بسنده کرد؛ همچنانکه سایر شروط معتبر در سنت برای قطع دست سارق نیز می‌تواند تبیینی برای همین آیات باشد، نه تخصیصی برای آیهی حدّ سرقت.

خامساً قاعده در این باب آن است که هرگاه سنتی دلالت بر تخصیص آیه‌ای از قرآن داشته باشد، در صورتی که به روشنی موافق با آیه‌ای دیگر از قرآن باشد، قابلیت اخذ را دارد؛ چراکه در این صورت اخذ به آن، تخصیص قرآن به وسیله‌ی سنت شمرده نمی‌شود، بل تخصیص آیه‌ای از قرآن به وسیله‌ی آیه‌ای دیگر از آن شمرده می‌شود که جایز است، ولی در صورتی که به روشنی موافق با آیه‌ای دیگر از قرآن نباشد، قابلیت اخذ را ندارد؛ جز آنکه در این صورت، هرگاه ممکن باشد حمل بر کراهت و استحباب می‌شود، مانند سنتی که به نهی از نکاح دائم با زنان اهل کتاب یا خوردن از غیر حبوبات آنان می‌پردازد و حمل بر کراهت این دو می‌شود. با این وصف، اگر سنتی که دلالت بر قطع چهار انگشت از دست راست برخی سارقان دارد، به معنای تخصیص آیه‌ی **﴿فَاقْطِعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾**^۲؛ «دستانشان را قطع کنید» باشد، در صورتی که به روشنی موافق با آیات دیگری از قرآن مانند **﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾**^۳؛ «خداوند نمی‌خواهد که بر شما تنگنایی قرار دهد» و **﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ﴾**^۴؛ «خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما سختی نمی‌خواهد» باشد، قابلیت اخذ را دارد و در صورتی که به روشنی موافق با این آیات نباشد، قابلیت اخذ را ندارد؛ جز آنکه در این صورت، هرگاه ممکن باشد حمل بر استحباب اکتفا به قطع با صفت مذکور می‌شود و هرگاه ممکن نباشد، مورد إعراض قرار می‌گیرد و در هر صورت، بر جواز تخصیص قرآن به وسیله‌ی سنت دلالت نمی‌کند؛ چراکه تخصیص آیه‌ی **﴿فَاقْطِعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾**^۵؛ «دستانشان را قطع کنید» به وسیله‌ی سنت، فرع بر جواز تخصیص قرآن به وسیله‌ی سنت است و واضح است که فرع نمی‌تواند اصل خود را اثبات کند.

۱. المائدة / ۸۳

۲. المائدة / ۸۳

۳. المائدة / ۶

۴. البقرة / ۵۸۱

۵. المائدة / ۸۳

از اینجا دانسته می‌شود که دشمنی جناب‌عالی با حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، از جهل شما برخاسته است؛ چراکه جناب‌عالی اصلاً دیدگاه این عالم مظلوم را نفهمیده‌اید و به دقائق و ظرائف سخن ایشان پی نبرده‌اید و به پشتوانه‌ی محفوظات اندک و سطحی خود که به هزاران وهم و ظن آلوده است، به دشمنی با کسی روی آورده‌اید که از شما عالم‌تر است. وانگهی بسیار عجیب است که جناب‌عالی، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را به سبب دیدگاه علمی‌اش درباره‌ی عدم امکان نسخ، تخصیص و تعمیم قرآن با سنت، «لعن» و «تکفیر» می‌کنید، در حالی که هیچ کس در هیچ زمان و مکانی مدعی نشده است که داشتن چنین دیدگاهی، کفر و مقتضی لعن شمرده می‌شود! با این وصف، آیا جناب‌عالی و امثال جناب‌عالی از خداوند نمی‌ترسید و از بندگانش شرم نمی‌دارید که این عالم بزرگ را به سبب برخی دیدگاه‌های کلامی و فقهی‌اش در چهارچوب اسلام، مورد انواع سب و لعن قرار می‌دهید؟! دیدگاه‌هایی که پیداست از سطح سواد شما بسیار بالاتر است و اصلاً چیزی از آن‌ها نمی‌فهمید! واضح است که در سراسر کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و سایر گفتارها و نوشتارهای حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، چیزی که مجوزی شرعی برای دشمنی با ایشان باشد یافت نمی‌شود؛ چراکه ایشان منکر خداوند یا کتاب او یا پیامبر او یا خلیفه‌ی او در زمین یا روز قیامت یا نماز و زکات و روزه و حج و جهاد یا سایر مبانی و ضروریات اسلام نشده؛ همچنانکه ادعای ربوبیت یا نبوت یا مهدویت یا باییت نکرده، بلکه به سوی عقلانیت و اعتدال اسلامی و بر پا داشتن کل اسلام و عین آن بدون زیادت و نقصان و دوری از جهل و تقلید و اهواء نفسانی و دنیاگرایی و تعصب و تکبر و خرافه‌گرایی فرا خوانده است و با این اوصاف، معلوم نیست که امثال جناب‌عالی، با چه بهانه‌ای می‌توانید - تا این اندازه بی‌پروا - علم دشمنی با ایشان بجنابانید و به سب و لعن ایشان پردازید! اگر بهانه‌ی شما برای این همه دشمنی، انتقاد علمی ایشان از ولایت مطلقه‌ی فقیه است، بسیاری دیگر از عالمان شما نیز در این باره با ایشان هم‌سخنند، در حالی که شما آنان را سب و لعن نمی‌کنید و اگر بهانه‌ی شما برای این همه دشمنی، دعوت ایشان به سوی مهدی و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت است، پس منتظر باشید تا خداوند بر شما حکم فرماید؛ چراکه او بهترین حکم‌کنندگان است. آری، شکی نیست که این شرارت و شقاوت شما نشان از سقوط اخلاق و ارزش‌های اسلامی در کشور شما پس از چهار دهه ولایت مطلقه‌ی فقیه است؛ زیرا طبیعی است که زیر بوته‌ی ولایت مطلقه‌ی غیر خداوند، جز امثال شما پرورش پیدا نمی‌کنند و نتیجه‌ی سیطره‌ی نازل‌ترین و عامیانه‌ترین قرائت از تشیع بر سرزمین شما، جز پیدایش منحرفانی مانند شما نیست که از تشیع تنها سب و لعن را آموخته‌اند!

خداوند شما را هدایت کند و ببخشد که از روی جهل در برابر پرچمدار اسلام در روزگار کفر ایستاده‌اید و به جای یاری او با مال و جان، به دشمنی با او روی آورده‌اید، هر چند بسیاری از شما قابل هدایت و بخشایش نیستید.



بایگاه اطلاع بر سبب افترا منصوصها شیخ خراسانی حفظه الله
 بچشمین بر روی تقدیرها



بایگاه اطلاع بر سبب افترا منصوصها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر بایگاه

صفحه اینستاگرام بایگاه

صفحه کانال تلگرام بایگاه

صفحه فیسبوک بایگاه

لینک مطلب آبی